

به مناسبت بیستمین سال درگذشت حمید عنایت

پروفسور سید حسن امین
سرپرستار دایرة المعارف ایران

زنده یاد دکتر حمید عنایت (۱۳۱۱-۱۳۶۱)، استاد علوم سیاسی، پژوهشگر سخت کوش و مترجم توانا را رابع قرن از نزدیک می‌شناختم. مقالات او پیش از این به نشانی قدردانی از جایگاه وی در علوم سیاسی در اطلاعات سیاسی - اقتصادی به چاپ رسیده است. این مقاله برای گرامیداشت یاد او و آثار و مآثر فرهنگی و دانشگاهی و مبارزاتی اش در بیستمین سالگشت مرگ نابهنگام او به خوانندگان تقدیم می‌شود.

خاستگاه خانوادگی

سید حمید عنایت در يك خانواده متوسط شهر نشین روحانی تبار در ۱۳۱۱ در تهران متولد شد. پدرش را در سیزده سالگی از دست داد (۱۳۲۴). پدرش و نیز دو تن از عموهایش، از «روحانیون سابق» بودند که در دوره رضاشاه، کسوت روحانیت را کنار گذاشته و با گرفتن پروانه دفتر استادرسمی، «محضر دار» شده بودند. دکتر محمود عنایت (ناشر مجله نگین) برادر دو قلوبی دکتر حمید عنایت بود.

تحصیلات

حمید عنایت، مدرک کارشناسی خود را در رشته علوم سیاسی از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران گرفت و چون در این رشته شاگرد اول شده بود، برابر مقررات آن زمان، با گرفتن بورس دولتی برای گذراندن دوره دکتری به انگلستان رفت. او دوره کارشناسی ارشد (MSC) را در رشته علوم سیاسی از «مدرسه اقتصاد و علوم سیاسی» دانشگاه لندن (London School of Economics & Political Sciences) معروف به LSE در ۱۳۳۷ به پایان رسانید و سپس برای دوره دکتری تخصصی (Ph.D.) در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی آن دانشگاه، School of Oriental & African Studies معروف به SOAS که در گذشته‌ها در منابع فارسی به آن «مدرسه السنة شرقیه» می‌گفتند، ثبت نام کرد و سرانجام در ۱۹۶۲ به اخذ درجه دکتری از دانشگاه لندن توفیق یافت.

مشاغل و فعالیت‌ها

دکتر حمید عنایت پس از اتمام دوره دکتری در لندن، در آغاز، قصد بازگشت به ایران را نداشت و در صدد یافتن کار در انگلستان یا در سازمان ملل متحد (در آمریکا یا سوئیس) بود. از دلایل عمده

این تصمیم، فعالیت‌های سیاسی او در دورهٔ دانشجویی‌اش در انگلستان بر ضد رژیم شاهنشاهی و در جهت اهداف نهضت ملی ایران بود. پس از دو سال، عنایت چون کار دلخواه خود را نیافت، سمت مدرس موقت در رشته «فلسفه حقوق اسلامی» در دانشگاه خارطوم (سودان) را پذیرفت و سال تحصیلی ۱۹۶۴-۶۵ را به کار تدریس در سودان گذراند.

دکتر عنایت پس از تدریس یک ساله در دانشگاه خارطوم، به لندن بازگشت و در آنجا ضمن اشتغال به فعالیت‌های فرهنگی از جمله ترجمهٔ متون ادبی، فلسفی و حقوقی (فلسفهٔ سیاسی)، برای گذراندن زندگی هفته‌ای دو روز بعنوان کارمند محلی در بخش کنسولی سفارت ایران در لندن به کار پرداخت و سال بعد به ایران بازگشت و در دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران به سمت استادیار استخدام شد.

عنایت در سال تحصیلی ۱۳۴۷-۴۸ برندهٔ بورس تحقیقاتی آیزنهاور شد و لذا آن سال را در آمریکا گذراند. در گزارش مورخ آوریل ۱۹۶۹ / اردیبهشت ۱۳۴۸ سفارت آمریکا دربارهٔ او چنین آمده است:

«عنایت... در حال حاضر با داشتن بورس در آمریکا به سر می‌برد، ولی تا شش ماه دیگر به ایران برمی‌گردد. او و زنش - آنا، جامعه‌شناس و اهل انگلیس - دوستان نزدیک هندا و مریم متین دفتری‌اند و همان طرز فکر و عقاید مربوط به جبههٔ ملی را در مورد طریقه‌ای که شاه، مملکت را اداره می‌کند، دارند. عنایت در مورد آنچه که می‌گوید، خیلی محتاط است. چرا که از قرار معلوم، او مایل نیست که لطمهٔ غیر ضروری به موقعیت تدریسش در دانشگاه بخورد. او خیلی روشنفکر، خوش برخورد، و اهل شوخی است.»^۱

علاقهٔ دکتر حمید عنایت به جبههٔ ملی که در گزارش فوق منعکس شده است، در خاطرات آنا عنایت (همسر حمید عنایت) که از شرکت خود و همسرش در مراسم ختم (روز هفت) درگذشت دکتر محمد مصدق در اسفند ۱۳۴۵ / مارس ۱۹۶۷ یاد می‌کند، به خوبی روشن می‌شود. آنا عنایت می‌نویسد:

«چند هفته پس از ورود به تهران، شوهرم مرا با خود به مراسم هفتهٔ مصدق برد... عزادارانی از تمام اقشار و سطوح جامعه با اندوه عظیم و بالاتر از همه وقار و فرهنگی که حکایت از مدنیتی شایسته داشت، گرد آمده بودند.»^۲

دکتر عنایت در ۱۳۵۱ ش / ۱۹۷۲ م جایزهٔ تحقیقاتی دانشگاه تهران را از آن خود کرد و در سال بعد ۱۳۵۲ ش / ۱۹۷۳ م بورس کالج سنت آنتونی دانشگاه آکسفورد را گرفت و در همان سال در دانشگاه تهران به سمت دانشیاری ارتقاء یافت و ضمن تدریس در دانشگاه به تحقیق و تتبع ادامه داد. او در دانشگاه تهران از چهره‌های «ضد دستگاه» شناخته می‌شد و با حفظ موقعیت دانشگاهی و علمی‌اش از مبارزات سیاسی غافل نبود. پس از انقلاب، وی با «جبههٔ دموکراتیک ملی ایران» که در ۱۴ اسفند ۱۳۵۷ بر سر مزلر دکتر مصدق در احمدآباد اعلام موجودیت کرد همکاری داشت. پس از تعطیل شدن دانشگاه‌ها در ایران، دکتر عنایت به همراه همسر و دو فرزندش (هادی و آمنه عنایت) به انگلستان رفت و در سال ۱۳۵۹ به سمت استادیار (Lecturer) در کالج سنت آنتونی دانشگاه آکسفورد استخدام شد، اما متأسفانه دو سال بعد در مرداد ۱۳۶۱ وقتی که از مسافرت برمی‌گشت، سکنه کرد و در اوج خلاقیت فکری و کمال عقلانی، همکاران و شاگردانش را از فضایل و ارشادات خود محروم کرد.

آثار مکتوب

آثار مکتوب دکتر عنایت را به سه بخش عمده (ترجمه، تألیف و مقاله) تقسیم باید کرد.

ترجمه‌ها

مهم‌ترین آثار حمید عنایت ترجمه‌های او از زبان انگلیسی به فارسی است که به ترتیب اهمیت عبارت است از:

- ۱- سیاست، لوسطو، ۱۳۳۷ (برندهٔ جایزهٔ بهترین کتاب سال در ترجمه)
- ۲- فلسفهٔ هگل، ت. سنتیس Stace، ۱۳۴۸
- ۳- عقل در تاریخ، هگل
- ۴- تاریخ طبیعی دین، دیوید هیوم، ۱۳۴۸
- ۵- لوی اشتراوس، ادموند لیچ، ۱۳۵۰
- ۶- مارکوس و انسان و برده، هگل
- ۷- قیصر و مسیح، ویل دورانت، ۱۳۴۱
- ۸- سه آهنگ ساز: موزر، برلیوز، واگنر، رومن رولان، ۱۳۳۴
- ۹- انتقام معجزه آسا: سه دیستان از جرج برناردشا، گی دوموپاسان، جک لندن، ۱۳۳۳

تالیفات

- ۱- اندیشه سیاسی در اسلام معاصر (ترجمهٔ بهاءالدین خرمشاهی) که آخرین تألیف مهم لوست و درست در آخرین روزهای زندگی اش منتشر شد
- ۲- تاریخ اندیشه ها و نهادهای سیاسی در ایران و اسلام
- ۳- فلسفه سیاسی غرب، از هراکلیت تا هابز
- ۴- اسلام و سوسیالیسم در مصر
- ۵- شش گفتار دربارهٔ دین و جامعه
- ۶- جهان از خود بیگانه
- ۷- کتاب شناسی مآخذ علوم سیاسی به زبان فارسی
- ۸- افکار سیاسی غرب، از فتح مصر وسیله ناپلئون تا جنگ جهانی دوم

مقالات

- «ایران و اعراب» (به انگلیسی، نیویورک، ۱۹۷۱)
- «مذهب و حکومت در ایران» (به انگلیسی، ۱۹۷۱)
- «وضع علوم اجتماعی در ایران» (به انگلیسی، ۱۹۷۴)
- «سیاست ایران شناسی» (به انگلیسی، ۱۹۷۵)
- «فلسفهٔ سیاسی افلاطون و لوسطو از دیدگاه فلاسفی» (به انگلیسی، ۱۹۷۶)
- «فلسفهٔ سیاسی اخوان الصفا» (به انگلیسی، ۱۹۷۷)

خاطرات

خاطرات من از حمید عنایت در ایران و انگلستان بسیار است و نامهای او به من نیز خواندنی و قابل تشریح است. از هم دوره‌ای‌های تحصیلی او در انگلستان، چه کسانی که مثل دکتر جواد شیخ الاسلامی از او جلوتر و چه کسانی که مانند همایون کاتوزیان از او جوان تر بودند، مطلب بسیار خواننده و شنیده‌ایم که همایون کاتوزیان بعضی از آنها را در مجلس ختم دکتر عنایت در آکسفورد در مرداد ۱۳۶۱ که من نیز در آن شرکت داشتم، طی سخنرانی اش ذکر کرد. نکتهٔ ناگفته در زندگی او که در اینجا نقل می‌کنم، مطلبی است که شاید جز چند تن معنود از تحصیلگردگان قدیمی انگلستان و هم دوره‌ای‌های دکتر عنایت از آن بی‌اطلاع باشند و آن این است که برابر مقررات داخلی دانشگاه لندن، حداقل دورهٔ ثبت نام دانشگاهی برای اخذ مدرک دکتری تخصصی (Ph.D.) سه سال تحصیلی بود. دکتر عنایت اولین دانشجویی بود که دورهٔ دکتری را در مدرسه

مطالعات شرقی و آفریقایی آن دانشگاه در ۲۴ ماه (یعنی کمتر از سه سال تحصیلی) گذرانید. ولی با این حال، دانشگاه لندن از صدور مدرک دکتری او به علت آن که سال سوم را ثبت نام نکرده بود، خودداری می کرد. لذا عنایت به دادگستری شکایت کرد که دانشگاه با تأخیر در صدور مدرک، حق او را تضییع می کند؛ چه او با تلاش خود موفق شده است دوره‌ای را که دانشجویان دیگر سه ساله به پایان می‌رسانند، یک سال زودتر تمام کند و این برای او سند افتخاری است. در آن وقت، مسعود فرزند وابسته فرهنگی سفارت بود و حمید عنایت از او امید همکاری و پشتیبانی داشت. اما وی سرگرم کار حافظ‌شناسی خود بود و دوستان و هم‌دوره‌ای‌های عنایت نیز او را در این کار یاری نمی‌کردند. این موضوع را یکی از دوستان حمید عنایت یعنی مرحوم عباس دهقان که تحصیل‌کرده ایتالیا و انگلیس و مخبر بی.بی.سی. بود،^۲ به نظم کشیده است. چون این شعر در جایی چاپ نشده است، چند بیتي از آن را که با عنوان «پلیتیک‌چی» خطاب به مرحوم دکتر عنایت سروده شده است، نقل می‌کنم:

سیند اولاد رسول خدا

گشته دوضربه به سرش آشنا

.....

رفته به عدلیه و عارض شده

بر همه خلق، معارض شده

مدرسه السنه قباوری

کسرسره چنین در حق او، داوری:

مدرسه، نه خانه خاله بود

دوره این درس، سسه ساله بود!

مدرسه، نان دانی خلق خداست

نان بریدن، عملی نارواست

گفته به او حضرت «فرزاد»^۳ راد

بعد هزاران جلد و اجتهاد:

تا نرود «حافظ» من، زیر چاپ

دیپلم و تصدیق تو بیٹی به خواب

یادداشت‌ها

۱. دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لائحه جاسوسی: رابطین خوب آمریکا، شماره ۱۷، ص ۴۳ و صص ۱۰۸-۱۰۷
۲. عنایت، آنا، «مصنق و ناسیونالیسم مدنی»، فصلنامه آزادی، دوره دوم، شماره‌های ۲۶-۲۷، صص ۱۷۵-۱۹۶
۳. عباس دهقان، پسر محمد باقر خان دهقان از اعیان شیراز بود. برادر بزرگتر عباس دهقان، عبدالحسین دهقان از دوستان نزدیک زنده یاد دکتر قاسم غنی بود که نامه‌های دکتر غنی به او بسیار خواندنی است؛ ر.ک. غنی، قاسم، نامه‌های دکتر قاسم غنی، چاپ سیروس غنی و سیدحسن امین، تهران، وحید، ۱۳۶۸، بخش اول
۴. اشاره به مسعود فرزند